

عنوان مقاله:

کارست نظریه روان تحلیلی هورنای بر سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق بر اساس الگوهای شخصیتی: یک پژوهش مورد منفرد

محل انتشار:

فصلنامه روانشناسی بالینی، دوره 15، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

سپهلا جعفرپور - دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

شاهرخ مکوند حسینی - دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

پروین رفیعی نیا - استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

خلاصه مقاله:

مقدمه: از دلایل بروز طلاق عدم توانایی همسران در سازش با تغییرات می باشد. هدف این پژوهش بررسی تاثیر نظریه روان تحلیلی هورنای بر اساس سه الگوی شخصیتی مهرطلب، برتری طلب و عزلت طلب بر سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق بوده است. روش: در این تلاش از طرح پژوهش مورد منفرد از نوع B/A بهره گیری شده است. شرکت کننده ها از میان زنان مراجعه کننده به برخی از مراکز مشاوره تهران در سال ۱۳۹۹ به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از پاسخگویی به پرسشنامه هورنای-کولبیج برای هر یک از الگوهای شخصیتی هورنای ۲ شرکت کننده و در مجموع ۶ شرکت کننده انتخاب شدند. سپس پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر در چهار مرحله اجرا شد. مداخله در طی ۱۵ تا ۲۵ جلسه انفرادی ۶۰ دقیقه ای، یک تا دو جلسه در هفته اجرا شد. داده ها پس از به دست آوردن شاخص تغییر پایا، از طریق محاسبه تغییر آماری معنیدار و فرمول درصد بهبودی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و با روش استاندارد ترسیم دیداری ارائه شدند. یافته ها: درصد بهبودی در رضایت دو نفره (۹/۴۱)، همبستگی دو نفره (۶۵/۴۶)، توافق دو نفره (۷۶/۵۱) و ابراز محبت (۴۱/۱۲۷) معنادار و اثربخش بوده است. بیشترین اثربخشی در سازگاری زناشویی در الگوی مهرطلب بوده و در الگوی عزلت طلب نسبت به الگوی برتری طلب افزایش بیشتری در مولفه های سازگاری زناشویی مشاهده شده است. نتیجه گیری: این یافته ها تغییرات معناداری را در مولفه های سازگاری زناشویی بر اساس الگوهای شخصیتی کارن هورنای نشان داده اند. در نتیجه روان درمانی تحلیلی کارن هورنای با افزایش سازگاری زناشویی زنان متقاضی طلاق می تواند برای روانشناسان و زوج درمانگران در پیشگیری از طلاق مفید باشد.

کلمات کلیدی:

روان تحلیلی، کارن هورنای، سازگاری زناشویی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1878329>

